

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)
سال دوازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، پیاپی ۲۷، صص ۴۷-۲۷

تحلیل فقه الحدیثی مفهوم احادیث دال بر اسمای حسنی خدا بودن اهل بیت (ع)

کاووس روحی برندق^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۲۰

تاریخ تصویب: ۹۳/۰۲/۲۰

چکیده

واژه «اسم» و مشتقات آن از واژه‌های بسیار پرکاربرد در علوم اسلامی (اعم از علوم نقلی و عقلی) است. این مقاله با روش کتابخانه‌ای در گردآوری مطالب و شیوه اسنادی در نقل دیدگاه‌ها و روش تحلیل محتوا در تحلیل داده‌ها این مسئله را بررسی کرده است که مفهوم دقیق اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) که در احادیث اسلامی آمده است، چیست؟ و به این نتیجه دست یافته است که حوزه معنایی فراگیر این عبارت شامل معانی زیر می‌گردد،

آن بزرگواران راهنمای تشریعی به احکام خدا؛ راهنمای تکوینی به خدا؛ راهنمای به صفات و اسماء خدا؛ برترین واسطه بین خلق و خدا؛ برترین وسیله ظهور اسماء خدا یا برترین مظاهر اسماء خدا؛ و در نهایت در مقام عبودیت و بندگی جز خدا را نشان نمی دهند. به این صورت که امکان دارد در یک عبارت همه این معانی و یا هر احتمال دیگر ممکن لحاظ شده باشند و یا اینکه در هر استعمالی برخی از آنها اراده شده باشد و مراد از مجموع استعمال ها تمامی این معانی باشد. دلیل عمده درستی این دیدگاه تحلیل لغوی فراگیر واژه از سویی و اطلاق مضمون اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) است که در احادیث مورد بحث بدان تصریح شده است.

واژه های کلیدی، اسم خدا، اسمای حسنی، اهل بیت (ع)،
احادیث.

۱. مقدمه

واژه «اسم» در متون دینی کاربرد فراوان دارد و در علوم مختلف اسلامی دارای معانی متعددی است. این معانی عبارتند از:

(۱) مفهوم اسم در لغت عبارت از علامت و نشانه است (فیروزآبادی، بی تا، ج ۴، ص ۳۴۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۴۰۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۱۸۳؛ خویی، ۱۳۹۵، ص ۴۲۴)

(۲) مفهوم اسم در عرف نیز به معنای «لفظ دال بر مسمی» است. (طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۷)

(۳) اسم در اصطلاح علم صرف و نحو در مقابل فعل و حرف، و به معنای کلمه ای است که بنفسه بر معنایی دلالت دارد، ولی همانند فعل مقترن به زمان نیست. (استرآبادی، ۱۹۷۵م، ج ۱، ص ۲۷-۳۰)

۴) اسم، اصطلاحی در دانش منطق در مقابل کلمه و آدات و مقصود از کلمه، همان فعل در صرف و نحو، و مراد از آدات، حرف و منظور از اسم، همان اسم در صرف و نحو است. (مظفر، بی تا، ص ۶۳ - ۶۴)

۵) اسم بر پایه اصطلاح دیگر در علم صرف و نحو در مقابل لقب و کنیه عبارت است از کلمه‌ای (مشخصاً بنابر اصطلاح اول یعنی اسمی) که معرفه و از میان معارف مشخصاً علّمی که نه مُصدّر به اب و امّ باشد و نه دلالت بر مدح و ذمّ کند. (ابن عقیل، ۱۹۶۴م، ج ۱، ص ۱۱۹؛ استرآبادی، ۱۹۷۵م، ج ۳، ص ۲۶۵)

۶) اسم بر پایه اصطلاح دیگر در علم صرف و نحو در مقابل اعم از اسم ذات و اسم معنا است؛ یعنی در مواردی بر ذات قائم بذاته (اسم ذات) دلالت دارد. مانند، انسان، زید و... و در مواردی دیگر دلالت بر معنای قائم به غیره (اسم معنا) دلالت دارد مانند، ضرب، کتابت و... و صفت در مقابل این دو، بر ذاتی که متّصف به معنا و دارای یک ویژگی خاصّ است، دلالت دارد مانند ضارب، کاتب و... و همواره با وزن خاصّی همراه است. مانند، اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبّهه، صیغه مبالغه و اسم تفضیل. (استرآبادی، ۱۹۷۵م، ج ۲، ص ۱۴۴، ۳۰۰، ۳۹۴ و ۶۴۶؛ استرآبادی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۹۹، ج ۲، ص ۱۱۷ و ۱۵۴؛ ج ۳، ص ۸۶ و ۱۳۶)

۷) در علم کلام، اصطلاح اسم در برابر صفات و افعال کاربرد دارد؛ زیرا اموری که به خداوند متعال نسبت داده می‌شود، یا فعل است مانند خلق، و یا صفت است، مانند حیات، و یا اسم که از فعل یا صفت به صورت توصیفی ساخته شده و بر خداوند متعال اطلاق می‌گردد، مانند، خالق و حیّ. (ایجی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۱۳؛ جرجانی، ۱۹۰۷، ج ۸، ص ۲۱۰)

۸) در اصطلاح حکمت متعالیه و عرفان نظری، اسم به عنوان یک امر عینی در برابر ذات، صفت و فعل الهی قرار می‌گیرد. مانند حقیقت خارجی عالم و قادر، که عبارت است از ذات خداوند با توجّه به صفت علم و قدرت او. و بر این اساس، الفاظ عالم و قادر و... اسماء اسماء خواهند بود. این حقیقت در جای جای کتاب‌های فلسفی که با رویکرد حکمت متعالیه نگاشته شده جلوه گر است (صدرالمطالعهین، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۲۸۰ و ۲۸۱،

ج ۷، ص ۳۱۳؛ صدرالمتألهین، بی تا، ص ۴۴؛ سبزواری، بی تا، ج ۱، ص ۱۹ و ۲۱۵؛ محیی الدین ابن عربی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۳؛ محیی الدین ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۳۱ و ۲۷۰ و ۴۲۶؛ ج ۲، ص ۱۶ و ۳۷۱ و ۴۱۶؛ طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۲۵۴؛ طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۱۳، ص ۲۲۹؛ طباطبائی، ۱۳۶۵، ص ۲۲؛ طباطبائی، ۱۳۹۳

(۹) اسم به عنوان وجود تکوینی عینی غیر از اسمای الهی. این دیدگاه قائل است که تمامی موجودات به لحاظ دلالت بر حق، اسم حق هستند و وجودهای تکوینی خاصّ (انسان کامل، شخص شخیص رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع) اسم اعظم الهی می باشند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۴۳؛ صدرالمتألهین، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۵۶ و ۱۵۷؛ میرداماد، ۱۴۰۳، ص ۳۵۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۹۱؛ عقیفی، ۱۳۷۰، ص ۸۵ و ۱۷۶؛ بالی زاده، بی تا، ص ۱۳۱ و ۱۶۱؛ خمینی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۳؛ جندی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۷).

از سوی دیگر احادیث فراوانی وجود اهل بیت (ع) را به عنوان اسمای حسنی و یا اسم مخزون مکنون معرفی کرده است. این احادیث عبارتند از:

(۱) در حدیثی از امام علی یا امام باقر (ع) بنا به تعدد نقل ها، آمده است که: ما زیبا ترین اسما و بلندترین نمونه ها و بزرگ ترین نشانه های خدا هستیم؛ «انا أسماء الله الحسنى وأمثلة العلیا وآیاته الکبری». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۳، ص ۴۷)

(۲) در حدیثی از امیرمؤمنان علی (ع) آمده است که: ما اسم اندوخته و پنهان خداییم و ما اسمای حسنای خدا هستیم که هرگاه به واسطه ما درخواستی از خدا شود، اجابت می کند و ما اسمای نگاشته شده خدا بر عرش هستیم؛ «نحن الاسم المخزون المکنون، نحن الأسماء الحسنى الّتی إذا سئل الله - عزوجلّ - بها أجاب، نحن الأسماء المکتوبه علی العرش». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۳۸)

(۳) در حدیثی از امام صادق (ع) در زیارت امام علی (ع) آمده است: سلام بر نام پسندیده و روی درخشان خدا؛ «السلام علی اسم الله الرضی و وجهه المضیء». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۰، ص ۳۰۶)

(۴) در حدیثی از امام رضا (ع) آمده است که: هرگاه سختی بر شما فرود آمد، به واسطه ما به درگاه خدا یاری بجوید و این است معنای سخن خدا که نیکوترین اسم ها از

آن خداست؛ «إذا نزلت بكم شده فاستعينوا بنا على الله، و هو قول الله، والله الأسماء الحسنى فادعوه بها». (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۲؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۵۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹۱، ص ۲۲)

۵) از امام صادق (ع) در ذیل آیه شریفه «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (الاعراف: ۱۸۰) آمده است که به خدا سوگند ما - اهل بیت (ع) - اسمای حسناى خدا هستيم؛ هم آنان که خداوند هیچ عملی را از بندگان جز به واسطه شناخت ما نمی پذیرد؛ «نحن - والله - الاسماء الحسنى التى لا يقبل الله من العباد عملاً إلا بمعرفتنا». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۴۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹۴، ص ۵)

بر این اساس، مساله پیشاروی این مقاله این است که مفهوم اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) که در احادیث اسلامی آمده است، چیست؟ و به عبارت دیگر، این مقاله با روش فقه الحدیثی در صدد فهم دلالت این احادیث از این جهت که اهل بیت (ع) را اسمای حسناى خداوند معرفی کرده اند، می باشد. اگر چه به سند این روایات نیز نگاهی گذرای خواهد داشت.

۲. پیشینه تحقیق

کتاب، مقاله و یا پایان نامه و رساله مستقلى در مورد مفهوم اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) یافت نشد، لیکن برخی از دانشمندان اسلامی در لابلاى تفاسیر و کتاب های فقه الحدیثی شیعه و کتاب های عرفانی و فلسفی به این بحث به صراحت و یا اشاره به طور گذرا پرداخته اند که عبارتند از:

- ۱) مجلسی، علامه محمد باقر، بحار الانوار؛ ۳) فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی؛ ۴) فیض کاشانی، محمد محسن، تفسیر صافی؛ ۵) مازندرانی، مولی محمد صالح، شرح اصول کافی؛ ۶) مجذوب تبریزی، محمد، الهدایا لشیعه ائمه الهدی (شرح اصول الکافی للمجذوب التبریزی)؛ ۷) جندی، مؤید الدین، شرح فصوص الحکم؛ ۲) طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن؛ ۸) مجلسی، علامه محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول؛ ۹) میرداماد، محمد باقر بن محمد، التعلیقہ علی أصول الکافی.

این مقاله، در روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات از شیوه کتابخانه‌ای و در نقل آنها از روش اسنادی و در تحلیل اطلاعات از روش توصیفی - تحلیلی بهره می‌گیرد.

۳. دیدگاه‌ها در مفهوم احادیث دال بر اسمای حسنی بودن اهل بیت^(ع)

با توجه به آنکه موضوع تمامی احادیث مورد بحث، احکام عملی نیست، بلکه از مصادیق امور نظری است، از این رو بنا بر نظر صحیح به هیچ وجه خبر واحد در این امور حجیت ندارد، مگر آنکه مقرون به قراین قطعی باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۰، ص ۳۵۱).

و اتفاقاً از آنجا که اعتبارها و قراین عقلی و نقلی فراوان که توجیه‌های آینده بخشی از آن را تشکیل می‌دهد، پشتوانه قطعی بر صحت مضامین این احادیث است و آنها را مقرون به قراین قطعی می‌سازد، از این رو از بررسی یکایک اسناد این روایات خودداری کرده و فقط به بحث فقه الحدیث در زمینه دلالت این احادیث می‌پردازیم. اما مجموعه دیدگاه‌ها و یا احتمالات را درباره مفهوم اسمای حسنای خدا اهل بیت (ع) به صورت زیر می‌توان سامان داد:

۱. پیش از آفرینش به اسمای حسنای خدا نامیده شده‌اند؛ یک احتمال در اینکه اهل بیت (ع) اسمای حسنای خدا هستند، این است که خداوند آنان را در این آفرینش یا آفرینش‌های غیر مادی به اسماء و نام‌های خود نام نهاده است: «وَأَمَّا نَسَبُهَا اللَّهُ إِلَيْهِ لِأَنَّهُ سَمَّاهُمْ بِهَا قَبْلَ خَلْقِهِمْ كَمَا عَلَيْهِ الرِّوَايَاتُ». (مازندرانی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۹۱)

۲. نام‌های آنان بر عرش نگاشته شده است و بر اساس احادیث وارده نام اهل بیت (ع) بر عرش الهی نگاشته شده است. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۱). از جمله در حدیثی از رسول اکرم (ص) نقل است که فرمودند: «مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى أَخِي رَسُولِ اللَّهِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِأَلْفِي عَامٍ». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۲). بر این اساس، می‌توان مقصود از اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) را به نگاشته شدن نام آن بزرگواران تفسیر کرد.

۳. نام‌های آنان موجب اجابت دعا است. این دیدگاه نیز برداشتی از حدیث دوم و چهارم است که مفهوم اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) را اجابت دعا در صورت توسل به

آن بزرگواران به شمار آورده است، به دلیل آنکه در آن حدیث، این دو مضمون در کنار هم به این صورت در حدیث دوم ذکر شده‌اند: «ما اسمای حسنای خدا هستیم که هرگاه به واسطه ما درخواستی از خدا شود، اجابت می‌کند». و در حدیث چهارم آمده است: «هرگاه سختی بر شما فرود آمد، به واسطه ما به درگاه خدا یاری بجوید و این است معنای سخن خدا که نیکوترین اسم‌ها از آن خداست».

۴. شناخت خدا منوط به شناخت آنان است و آن بزرگواران وسیله شناخت خدایند؛ دیدگاه دیگر اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) را به اعتبار اینکه آن بزرگواران وسیله و ابزار شناخت خدایند، برمی‌شمارد: «... و ذلك لأنهم عليهم السلام وسائل معرفة ذاته و سائط ظهور صفاته و أرباب أنواعه». (فیض کاشانی، ۱۴۷۹، ج ۱، ص ۱۱۳). نیز به نحوی برگرفته از حدیث پنجم است که در آن آمده است، «به خدا سوگند ما - اهل بیت (ع) - اسمای حسنای خدا هستیم؛ هم آنان که خداوند هیچ عملی را از بندگان جز به واسطه شناخت ما نمی‌پذیرد».

۵. دارای برترین شناخت به اسماء خدایند؛ این دیدگاه به طور مستقیم برگرفته از احادیثی است که بر اساس آنها اهل بیت (ع) به عنوان کسانی که خدا را آن گونه که باید شناخته‌اند. از جمله بر اساس حدیثی پیامبر اکرم (ص) فرمود: ای علی، خدا را آن گونه که باید جز من و تو کسی نشناخته است و تو را آن گونه که باید جز من و خدا کسی نشناخته است: «يَا عَلِيُّ مَا عَرَفَ اللَّهُ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ غَيْرِي وَ غَيْرُكَ، وَ مَا عَرَفَكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ غَيْرُ اللَّهِ وَ غَيْرِي» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۲۶۷).

برخی این معنا را که اهل بیت احاطه به شناخت اسمای حسنای خدا دارند، به طور مستقیم و به عنوان معنای مطابقی مفهوم اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) از احادیث مورد بحث برداشت نموده‌اند: «المحيطون بمعرفتها» (مجدوب تبریزی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۳۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۶).

۶. راهنمای تشریعی به احکام خدا هستند؛ فیض کاشانی مفهوم اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) را عبارت از همین معنا یعنی راهنمایی تشریعی آنان به احکام خدا دانسته است: «هم (ع) أدلاء على الله يدلون الناس عليه سبحانه». (فیض کاشانی، ۱۴۰۶،

ج ۱، ص ۴۹۱). این احتمال را از سخن مجذوب تبریزی نیز می توان برداشت کرد که می گوید، «و ظاهر أن من أكمل علامات الربوبية الحجة المعصوم العاقل عن الله الدالّ عليه دلالة ظاهرة والهادى إليه هداية باهرة» (مجدوب تبریزی، ۱۴۲۹ ق، ج ۲، ص ۳۶۵) البته در صورتی که منظور وی هدایت تشریعی باشد و نه هدایت تکوینی.

۷. راهنمای تکوینی به خدا هستند؛ میر داماد در تعلیقه بر کافی در شرح حدیث «نحن والله الاسماء الحسنی» اسم را عبارت از کلمه ای می داند که بر خود ذات شیئی و یا بر ذات با لحاظ صفت یا فعل آن دلالت دارد و بدین سان کل ذرات نظام هستی را از آن جهت که مجعول خدایند کلمات و اسمائی برمی شمارد که با زبان ذات و حقیقت خود گواهی می دهند که پدید آورنده و سازنده آنها خداوند است و وجود ذوات نورانی اهل بیت (ع) را به لحاظ برخوردارى از برترین کمالات وجودی، برترین صفات و اسماء الهی می داند: «فدرات النظام کلمات الله و أسماؤه الدالة على ذاته الحقّة و وجوده الحقیقی و الذوات النوریة الفاضلة و النفوس القدسیة الکاملة، منها أسماء الله الحسنی الناطقة بالسنّة ما لها من الصفات و النعوت التي هی کمالات مطلقة للوجود به ما هو وجود أكبر نطق و أبلغ بیان، ان تلك الصفات و الكمالات انما هی بالاسر اظلال الكمالات الحقّة الحقیقیة القائمة بالذات المعبر عن جملتها بحیثیه الوجوبیه الحقّة القیومیة». (میرداماد، ۱۴۰۳، ص ۳۵۵).

جندی بر اساس یک تحلیل دیگر که مبتنی بر اصطلاح اسم در برابر فعل و حرف در علم صرف و نحو، ادعا کرده است همان گونه که اسم (در برابر فعل و حرف) کلمه مفردی است که مقرون به زمان نیست، انسان کامل نیز تنها کلمه وجودی مفردی است که بدون نیاز به حدوث زمانی بر وجود مطلق خداوند دلالت دارد (جندی، ۱۳۸۰، ص ۷۳-۷۴).

۸. راهنمای به صفات و اسماء خدایند؛ مجلسی بر اساس معنای لغوی اسم، اهل بیت (ع) را به لحاظ اینکه مردم را به اسماء و صفات الهی راهنمایی می کنند، حقیقتاً و یا مجازاً اسمای الهی برمی شمارد: «لأنهم المظهرون لأسماء الله و الحافظون لها». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۶). مجذوب تبریزی نیز به نقل از نائینی این معنا را ذکر کرده است «أی الحافظ لها ومظهرها». (مجدوب تبریزی، ۱۴۲۹ ق، ج ۲، ص ۳۶۵)

۹. برترین واسطه بین خلق و خدایند؛ دیدگاه دیگر در تفسیر اسمای حسناى خدا بودن اهل بیت (ع) بر پایه استعمال مجازى و یا حقیقى اسم در معناى عام «مادلّ على الشیء» اعم از الفاظ و امور خارجى، از آن جا که اهل بیت (ع) بزرگ‌ترین و اولین واسطه بین خدا و خلق هستند، اسمای حسناى خدا به شمار می‌آیند: «و علیه فالأنبیاء و الأوصیاء(ع) أسماء دالة علیه تعالى وسائط بینه و بین خلقه». (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۳۶۷).

۱۰. برترین نشانه و حافظ و وسیله ظهور اسماء خدایند؛ هر موجودى به لحاظ حکایت از اسمای الهی و یا به لحاظ حکایت از ذات خدا به واسطه اسمای الهی، خود اسم خدا خواهد بود و انسان‌های کامل و در صدر آنها اهل بیت (ع) اسمای حسناى خدا به شمار خواهند آمد: «و هم علامه لمحاسن صفاته و أفعاله و آثاره» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۹۱) و «أو لأنهم المظهرون لأسماء الله و الحافظون لها». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۶).

۱۱. برترین مظاهر اسماء خدایند؛ صدرالمتألهین در شرح حدیث «نحن و الله الاسماء الله الحسنی» ممکنات را به اعتبار اطلاق مظهر بر ظاهر، اسماء و صفات الهی و انسان کامل را به لحاظ اشتغال بر معانی و حقایق جمیع اسماء الهی از میان موجودات، مظهر جامع و اسم اعظم بر می‌شمارد: «ان الممكنات مظاهر اسماء الله و صفاته، و ان اطلاق الاسماء على مظاهرها مما هو متعارف عند العرفاء، و ان الانسان الكامل لكونه مشتملا على معانی اسماء الله كلها، کاسم الله المتضمن لمعانی جمیع الاسماء الالهیة على الاجمال کان مظهرا للاسم الجامع فهو الاسم الاعظم الدال على صفات الحق و اسمائه من عرفه فقد عرف ربه». (صدر المتألهین، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۵۶).

مجلسی نیز یکی از احتمال‌های معنای احادیث مورد بحث را مظاهر اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) بر می‌شمارد، «أو المظاهر لها» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۶). چنانکه مازندرانی بعد از توجیه علامت بودن همه موجودات برای ذات و صفات خدا، اهل بیت (ع) را به دلیل برخوردار بودن از کمال و فضیلت و شرافت و جلال برتر، برترین مظاهر اسمای حسنی الهی بر می‌شمارد: «و یحتمل أن یراد بها ذواتهم لأنّ الاسم فی اللّغة العلامة و ذواتهم

القدسیه علامات ظاهره لوجود ذاته و صفاته، و صفاتهم النوریة بینات واضحة لتمام أفعاله و کمالاته و إنما وصفهم بالحسنى مع أنّ غیرهم من الموجودات أيضا علامات و بینات لما وجد فيهم من الفضل و الکمال و لمع منهم من الشرف و الجلال ما لا يقدر علی وصفه لسان العقول و لا یبلغ إلى کنهه أنظار الفحول، فهم مظاهر الحقّ و أسماؤه الحسنی و آیاته». (مازندرانی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۹۱)

۱۲. در مقام عبودیت و بندگی جز خدا را نشان نمی دهند؛ دیدگاه دیگر در تفسیر اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) این است از آن جا که انبیا و اوصیا (ع) آن چنان در بندگی خدا غرقاند که جز اسماء و صفات خدا را نشان نمی دهند، اسمای حسنای خدا می باشند: «و لأنهم فی العبودیة به حیث لیس لهم إلا الله سبحانه فهم المظهرون لأسماؤه و صفاته تعالی». (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۳۶۷).

۴. تحلیل و نقد دیدگاهها

دیدگاه نخست را که بر آن است معنای اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) این است که اهل بیت (ع) پیش از آفرینش به اسمای حسنای خدا نامیده شده اند، این گونه می توان توجیه کرد که بر اساس ادله عقلی (صدر المتألهین، ۱۹۸۱، ج ۷، ص ۲۶۲) و دلایل نقلی از جمله احادیث فراوان (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۲)، اهل بیت (ع) پیش از آفرینش مادی دارای آفرینش یا آفرینش های گوناگون غیر مادی بوده اند. بر این اساس یک احتمال در اینکه اهل بیت (ع) اسمای حسنای خدا هستند، این است که خداوند آنان را در این آفرینش یا آفرینش های غیر مادی به اسماء و نام های خود نام نهاده است.

بر اساس این دیدگاه مراد از اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) آن است که خداوند آن بزرگواران را پیش از آفرینش مادی به نام های مخصوصی که هر یک دارا هستند، نامیده است ولی این احتمال با این اشکال مواجه است که در جهان یا جهان های پیش از آفرینش مادی و حتی در جهان مادی صرف نام گذاری چندان ارزشی ندارد تا این امتیازی برای آن بزرگواران به شمار آید. و اگر منظور این باشد که آنان پیش از آفرینش مادی به حقایق اسما و صفات و کمالات الهی آراسته بوده اند، اگر چه اشکال فوق پاسخ

داده می‌شود ولی پیش از آفرینش مادی بودن خصوصیتی ندارد و در واقع این احتمال به یکی از احتمال‌های آینده برمی‌گردد و دیدگاه مستقلی نخواهد بود.

اما دیدگاه دوم که می‌گوید معنای اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) آن است که نام‌های آنان بر عرش نگاشته شده است، مبتنی بر احادیثی است که بر اساس آنها نام اهل بیت (ع) بر عرش الهی نگاشته شده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۱). بر این اساس، می‌توان مقصود از اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) را به نگاشته شدن نام آن بزرگواران تفسیر کرد.

در نقد این دیدگاه می‌توان گفت نام اهل بیت (ع) بر عرش الهی نگاشته شده جای هیچ انکار نیست، لیکن اینکه مفهوم دقیق این دسته از احادیث که اهل بیت (ع) خود را به عنوان اسمای حسنای خدا معرفی کرده‌اند، نگاشته شدن نام آنان بر عرش الهی باشد، یک برداشت غیر متناسب و غیر ظاهر از ظاهر این احادیث و حداکثر یک معنای مجازی درست ولی دور از ذهن می‌باشد که با وجود احتمال یا احتمال‌های نزدیک‌تر از آن هرگز نمی‌توان آن را در معنای اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) مورد توجه تلقی کرد. به نظر می‌رسد دلیل مطرح شدن این دیدگاه آن است که نگاشته شدن نام اهل بیت (ع) بر عرش الهی در حدیث دوم که در این مقاله ذکر شد، در ادامه این جمله از حدیث آمده است که «ما اسمای حسنای خدا هستیم» لذا گمان شده است این جمله که «ما اسمای نگاشته شده خدا بر عرش هستیم»، تبیین و تفسیر جمله قبل است؛ در حالی که این دو، دو جمله مستقل هستند.

و دیدگاه سوم که مفهوم اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) را برابر با این که نام‌های آنان موجب اجابت دعا است، می‌داند در واقع برداشتی از حدیث دوم و چهارم است که مفهوم اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) را اجابت دعا در صورت توسل به آن بزرگواران به شمار آورده است به دلیل آنکه در آن حدیث این دو مضمون در کنار هم به این صورت در حدیث دوم ذکر شده‌اند: «ما اسمای حسنای خدا هستیم که هر گاه به واسطه ما درخواستی از خدا شود، اجابت می‌کند». و در حدیث چهارم آمده است: «هر گاه سختی

بر شما فرود آمد، به واسطه ما به درگاه خدا یاری بجوید و این است معنای سخن خدا که نیکوترین اسم‌ها از آن خداست».

این در حالی است که از این دو حدیث برمی آید که استجاب دعا نتیجه اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) است؛ نه اینکه مفهوم این دو یکی باشد. و از نظر معنای مجازی نیز یک معنای دور از ذهن برای اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) می‌باشد.

دیدگاه چهارم که معنای اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) را برابر با اینکه شناخت خدا منوط به شناخت آنان است و آن بزرگواران وسیله شناخت خدایند بر می‌شمارد نیز به نحوی برگرفته از حدیث پنجم است که در آن آمده است، «به خدا سوگند ما - اهل بیت (ع) - اسمای حسنای خدا هستیم؛ هم آنان که خداوند هیچ عملی را از بندگان جز به واسطه شناخت ما نمی‌پذیرد».

اگرچه این حدیث پذیرش اعمال را در گرو شناخت اهل بیت (ع) بر می‌شمارد، نه آنکه شناخت خدا را منوط به شناخت اهل بیت (ع) بداند ولی در هر حال احادیث دیگر که شناخت خدا را در گرو شناخت اهل بیت (ع) به شمار می‌آورد، فراوان است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۴۵؛ صدوق، بی تا، ص ۱۵۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۹۹)؛ لیکن همان گونه که در نقد برخی دیدگاه‌های گذشته گفته شد، این نتیجه اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) است و نه عین آن؛ و از لحاظ معنای مجازی همچنان یک معنای دور از ذهن برای اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) می‌باشد.

و دیدگاه پنجم که معنای اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) را برابر با اینکه آنان دارای برترین شناخت به اسماء خدایند می‌داند، به طور مستقیم برگرفته از احادیثی است که بر اساس آنها اهل بیت (ع) به عنوان کسانی که خدا آن گونه که باید شناخته‌اند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۲۶۷). برخی به طور مستقیم و به عنوان معنای مطابقی مفهوم اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) را از احادیث مورد بحث برداشت نموده‌اند (مجدوب تبریزی، ۱۴۲۹، ق ۲، ج ۲، ص ۳۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۶)؛ لیکن همان گونه که در نقد احتمال پیشین گفته شد، این معنا نیز نتیجه اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) است و نه

عین آن؛ و از لحاظ معنای مجازی همچنان یک معنای دور از ذهن برای اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) می‌باشد.

و دیدگاه ششم که می‌گوید مفهوم اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) را برابر با این است که آنان راهنمای تشریعی به احکام خدا هستند، این است که تبیین آموزه‌های دین یکی از شوؤن پیامبر اکرم (ص) است (ر.ک: البقره: ۱۲۹؛ آل عمران: ۱۶۴؛ الجمعة: ۲). بنابر دیدگاه شیعه بر اساس نصوص دینی معتبر و غیر قابل خدشه پس از پیامبر (ص)، امام معصوم (ع) این سمت و شأن را بر عهده دارد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۸، ص ۴۶). و یکی از آموزه‌های مهم دین، احکام الهی و باید و نبایدهای شرعی است که بعد از پیامبر (ص)، توسط امام (ع) تبیین و بازگو می‌گردد و امام (ع) راهنمای مردم در این زمینه است.

بر این اساس، برخی مفهوم اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) را عبارت از همین معنا یعنی راهنمایی تشریعی آنان به احکام خدا دانسته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱؛ ص ۴۹۱؛ مجذوب تبریزی، ۱۴۲۹ ق، ج ۲؛ ص ۳۶۵).

روشن است که هرگز راهنمایی تشریعی اهل بیت (ع) به احکام خدا، مفهوم حقیقی اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) نیست؛ بلکه این معنا یک برداشت مجازی است و اتفاقاً یک معنای مجازی درستی برای اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) می‌باشد؛ زیرا علاقه و رابطه مشابَهت بین اسمای خدا و اهل بیت (ع) برقرار است؛ یعنی همان گونه که اسمای الهی (اعم از اسمای لفظی و اسمای عینی) راهنمای به ذات الهی است؛ اهل بیت (ع) راهنمای به احکام خدا هستند و همین اندازه رابطه بین معنای حقیقی و مجازی مجوز صحت استعمال مجازی است. بر اساس این تحلیل، رابطه بین اسمای الهی و اهل بیت (ع) رابطه معنای حقیقی و مجازی و استعمال واژه اسما در مورد اهل بیت (ع) استعمال مجازی است.

یک تحلیل لغوی دیگر در مورد اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) آن است که واژه اسم در لغت بر هر چیز دالّ بر مسمّی وضع شده است اعم از آنکه لفظ باشد و یا یک امر عینی و خارجی. بنابراین، از آنجا که وجود خارجی اهل بیت (ع) که راهنمای تشریعی به خدا هستند، بر اساس وضع اولی و حقیقی، اسمای خدا و از آن جهت که بهترین نوع

دلالت تشریعی را دارند، اسمای حسناى خدا خواهند بود. این دو تحلیل مجموعاً از چند جهت دارای اشکال هستند، نخست از نظر محدود کردن علاقه موجود بین اسمای خدا و اهل بیت (ع) به مشابَهت؛ و دوم از نظر محدود کردن علاقه مشابَهت به مشابَهت در راهنمایی؛ و سوم از لحاظ محدود کردن راهنمایی به راهنمایی در جهت احکام.

و دیدگاه هفتم که مفهوم اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) را برابر با این می‌داند که آنان راهنمای تکوینی به خدا هستند، این گونه می‌توان توجیه کرد: از آن جا که اسم در لغت به معنای «ما دلّ علی الشیء» است، خواه لفظ باشد و یا غیر آن، عموم موجودات اسمای الهی خواهند بود؛ زیرا دلالت تکوینی به خدا دارند و نشانه خدا هستند (ر.ک: الجاثیه: ۴ و ۴۵؛ الذاریات: ۲۰؛ الفصّلت: ۵۳).

وجود خارجی اهل بیت (ع) از آن جا که راهنمای تکوینی به اسماء و صفات خدا هستند و یا حتی بر ذات الهی دلالت دارند، بر اساس استعمال مجازی اسم در معنای «مادلّ علی الشیء» و یا وضع حقیقی آن بر این معنای عام، اسمای خدا خواهند بود. میرداماد در شرح حدیث «نحن و الله الاسماء الحسنی» اسم را عبارت از کلمه‌ای می‌داند که بر خود ذات شیئی و یا بر ذات با لحاظ صفت یا فعل آن دلالت دارد و بدین سان کل ذرات نظام هستی را از آن جهت که مجعول خدایند، کلمات و اسمائی برمی‌شمارد که با زبان ذات و حقیقت خود گواهی می‌دهند که پدید آورنده و سازنده آنها خداوند است و وجود ذوات نورانی اهل بیت (ع) را به لحاظ برخورداری از برترین کمالات وجودی، برترین صفات و اسماء الهی می‌داند (میرداماد، ۱۴۰۳، ص ۳۵۵).

اشکال این سخن تنها در عدم تفکیک بین کلمه و اسم است که از معنای کلمه بودن اهل بیت (ع) برای اسم بودن اهل بیت (ع) استفاده شده است. این اشکال در شروح دیگر برطرف شده و دلالت اسم به اعتبار علامت و نشانه بودن تبیین شده است (مازندرانی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۹۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۹۱؛ مجذوب تبریزی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۳۶۵).

برخی بر اساس تحلیل دیگر که مبتنی بر اصطلاح اسم در برابر فعل و حرف در علم صرف و نحو، ادعا کرده‌اند همان گونه که اسم (در برابر فعل و حرف) کلمه مفردی است

که مقرون به زمان نیست، انسان کامل نیز تنها کلمه وجودی مفردی است که بدون نیاز به حدوث زمانی بر وجود مطلق خداوند دلالت دارد (جندی، ۱۳۸۰، ص ۷۳-۷۴). و این در حالی است که کاربرد اسم در مورد اشیاء خارجی در عرفان اسلامی به نوبه خود برگرفته از متون دینی است. بنابراین، هرگز نمی‌توان ادعا کرد یک اصطلاح شرعی از یک اصطلاح موجود در علم صرف و نحو که خود مسبوق به اصطلاح شرعی است، برگرفته شده است. و دیدگاه هشتم را که معنای اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) را برابر با این می‌داند که آن بزرگواران راهنمای به صفات و اسماء خداوند، این گونه می‌توان توجیه کرد که بر اساس معنای لغوی اسم، اهل بیت (ع) را به لحاظ اینکه مردم را به اسماء و صفات الهی راهنمایی می‌کنند، حقیقتاً و یا مجازاً اسمای الهی برمی‌شمارد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۶).

ولی این تحلیل نیز همانند احتمال ششم از چند جهت دارای اشکال است: نخست از نظر محدود کردن علاقه موجود بین اسمای خدا و اهل بیت (ع) به مشابَهت؛ و دوم از نظر محدود کردن علاقه مشابَهت به مشابَهت در راهنمایی؛ و سوم از لحاظ محدود کردن راهنمایی به راهنمایی در جهت راهنمایی به اسماء و صفات الهی.

دیدگاه نهم که بر آن است مفهوم اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) برابر با این است که آن بزرگواران برترین واسطه بین خلق و خداوند، دیدگاه دیگر در تفسیر اسمای حسنی خدا بودن اهل بیت (ع) بر پایه استعمال مجازی و یا حقیقی اسم در معنای عام «مادلّ علی الشیء» اعم از الفاظ و امور خارجی، از آن جا که اهل بیت (ع) بزرگ‌ترین و اولین واسطه بین خدا و خلق هستند، اسمای حسنی خدا به شمار می‌آیند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۳۶۷).

و دیدگاه دهم که مفهوم اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) را برابر با این برمی‌شمارد که آن بزرگواران برترین وسیله ظهور اسماء خداوند، این گونه می‌توان توجیه کرد که در طبقه بندی انواع وجود و اقسام موجودات بر اساس دیدگاه تشکیک انواع وجودها (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۷۰ و ۲۵۴)، تمامی موجودات به غیر از خداوند موجود مستقل و بالذات نیستند؛ بلکه غیر مستقل و همواره به خدا تکیه دارند.

از سوی دیگر همواره ذات خدا از طریق اسماء و صفات ظاهر گردیده و تجلی می‌کند و بر اساس توحید اسمایی، جز اسمای الهی در جهان کارگر نیست، لیکن اسمای الهی هیچ‌گاه بدون اسباب کارگر نخواهد بود، بلکه خداوند از طریق اسباب، کار جهان را کارپردازی خواهد کرد. بنابراین، وجود هر یک از موجودات حاکی از یک یا چند اسم از اسمای الهی خواهند بود، و در این میان تنها موجودی که حاکی از تمامی اسمای الهی است، انسان کامل و به ویژه رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع) خواهند بود.

بر اساس این تحلیل از یک سو و بر پایه استعمال مجازی و یا حقیقی اسم در معنای عام «ما دلّ علی الشیء» اعم از الفاظ و امور خارجی از سوی دیگر، هر موجودی به لحاظ حکایت از اسمای الهی و یا به لحاظ حکایت از ذات خدا به واسطه اسمای الهی، خود اسم خدا خواهد بود و انسان‌های کامل و در صدر آنها اهل بیت (ع) اسمای حسنای خدا به شمار خواهند آمد.

و دیدگاه یازدهم که مفهوم اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) را برابر با این می‌داند که آنان برترین مظاهر اسماء خدایند، این گونه قابل توجیه است که تمامی موجودات مظهر اسمای خدا هستند و انسان‌های کامل و به ویژه اهل بیت (ع) از میان تمامی موجودات مظهر جامع اسمای الهی و مظهر منحصر به فرد اسم اعظم الهی می‌باشند. بر اساس این تحلیل از یک سو و بر پایه استعمال مجازی و یا حقیقی اسم در معنای عام «ما دلّ علی الشیء» اعم از الفاظ و امور خارجی از سوی دیگر، و نیز از باب اتحاد ظاهر (اسمای خدا) و مظهر (وجود آنان) از سوی دیگر، همه موجودات که مظاهر اسمای حق هستند، اسمای خدا و آن بزرگواران که مظهر اتم و اکمل خدایند، نیکوترین اسم‌های خدا خواهند بود.

صدرالمتألهین در شرح حدیث «نحن و الله الاسماء الله الحسنی» ممکنات را به اعتبار اطلاق مظهر بر ظاهر، اسماء و صفات الهی و انسان کامل را به لحاظ اشتغال بر معانی و حقایق جمیع اسماء الهی از میان موجودات، مظهر جامع و اسم اعظم بر می‌شمارد. (صدر المتألهین، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۵۶). تفاوت مبنایی این دیدگاه با دیدگاه پیشین در آن است که این دیدگاه بر مبنای وحدت شخصی وجود و انحصار وجود به حضرت حق استوار

است (ابن ترکه، ۱۳۶۰، ص ۱۱۱) برخلاف دیدگاه پیشین مبتنی بر تعدد تشکیکی انواع وجودها می باشد.

و سر انجام دیدگاه دوازدهم که مفهوم اسمای حسنی بودن اهل بیت (ع) را برابر با این می داند که آن بزرگواران در مقام عبودیت و بندگی جز خدا را نشان نمی دهند، این گونه قابل تبیین است که بر پایه استعمال مجازی و یا حقیقی اسم در معنای عام «ما دلّ علی الشیء» اعم از الفاظ و امور خارجی، دیدگاه دیگر در تفسیر اسمای حسنی خدا بودن اهل بیت (ع) این است از آن جا که انبیا و اوصیا (ع) آن چنان در بندگی خدا غرق هستند که جز اسماء و صفات خدا را نشان نمی دهند، اسمای حسنی خدا می باشند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۳۶۷).

۵. دیدگاه برگزیده

بر پایه استعمال مجازی و یا حقیقی اسم در معنای عام «ما دلّ علی الشیء» اعم از الفاظ و امور خارجی، حوزه معنایی اسمای حسنی خدا بودن اهل بیت (ع) یک حوزه عام است. به این صورت که مفهوم ترکیب اضافی «اسمای حسنی خدا بودن اهل بیت (ع)» بر اساس دلالت مستقیم این ترکیب بر یک معنای جامع و فراگیر و یا از باب جواز استعمال لفظ در معانی متعدد، یک حوزه معنایی وسیع شامل احتمال های ششم تا یازدهم را می گردد. بدین ترتیب، معنای فراگیر اسمای حسنی خدا بودن اهل بیت (ع)، این است که آن بزرگواران راهنمای تشریعی به احکام خدا هستند؛ راهنمای تکوینی به خدا هستند؛ برترین واسطه بین خلق و خدا؛ برترین وسیله ظهور اسماء خدا؛ برترین مظاهر اسماء خدا؛ و در مقام عبودیت و بندگی جز خدا را نشان نمی دهند.

بنابراین امکان دارد در یک عبارت همه این معانی با حذف انحصارهای موجود در آنها (مانند معنای ششم) و گزینش یکی از دو احتمال متضاد (مانند احتمال دهم و یازدهم) و یا هر احتمال دیگر ممکن لحاظ شده باشند و یا اینکه در هر استعمالی برخی از آنها اراده شده باشد و مراد از مجموع استعمال ها تمامی این معانی باشد. افزون بر مبنای تحلیل معنای دقیق اسم در لغت که اعم از الفاظ و امور خارجی است، این دیدگاه بر اصالت اطلاق

استوار است که دلیلی بر تقید معنای اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) به برخی معانی جزئی وجود ندارد و این امری ریشه‌ای‌تر از قاعده «الجمع مهما امکن اولی» است که به هنگام تعارض میان ادله متعارض در صورتی که امکان جمع میان آنها وجود داشته باشد بدان تمسک می‌شود.

نکته دیگر در توضیح دیدگاه برگزیده اینکه تمامی این معانی در عرض یکدیگر قرار دارند و این دیدگاه مدعی جمع عرضی بین آنها و ارائه معنای جمع و فراگیر میان آنها است، نه آنکه این معانی در طول هم بوده باشند تا گاه لایه ظاهری آنها اراده شده باشد و گاه لایه باطنی و این همه به دلیل پشتوانه لفظی واژه اسم از سویی و اصالت اطلاق از سو دیگر می‌باشد که هر دو از مصادیق اصالت ظهور می‌باشند. بنابراین معنای ارائه شده منطبق با ظهور مفهوم و مضمون اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) است که با بیان‌های مختلف در احادیث مورد بحث ذکر شده است.

نتیجه گیری

دوازده احتمال مستقل در معنای احادیثی که مضمون آنها اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) است، وجود دارد. از این میان پنج احتمال که عبارتند از:

(۱) آن بزرگواران پیش از آفرینش به اسمای حسنای خدا نامیده شده‌اند؛

(۲) نام‌های آنان بر عرش نگاشته شده است؛

(۳) نام‌های آنان موجب اجابت دعا است؛

(۴) شناخت خدا منوط به شناخت آنان است؛

(۵) دارای برترین شناخت به اسماء خداوند نیست؛

مفهوم مطابقی برای اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) نیست و اما دیگر

احتمال‌ها که توان آن را دارند تا معنایی صحیح برای این احادیث باشند، عبارتند از:

(۶) آن بزرگواران راهنمای تشریعی به احکام خدا؛

(۷) راهنمای تکوینی به خدا؛

(۸) راهنمای به صفات و اسماء خدا؛

(۹) برترین واسطه بین خلق و خدا؛

(۱۰) برترین وسیله ظهور اسماء خدا؛

(۱۱) برترین مظاهر اسماء خدا؛

(۱۲) و در نهایت در مقام عبودیت و بندگی جز خدا را نشان نمی دهند.

به این صورت که امکان دارد در یک عبارت همه این معانی و یا هر احتمال دیگر ممکن لحاظ شده باشند. به نظر نگارنده انحصار معنای احادیث مورد بحث در هر یک از این معانی بی دلیل است. بنابراین، احتمال قوی (۱۳) در معنای اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) حوزه معنایی عام و فراگیر است که این احتمال ها و نیز تمامی احتمال های ممکن الجمع را دربر می گیرد. و دلیل عمده درستی این دیدگاه تحلیل لغوی فراگیر واژه از سویی و اطلاق مضمون اسمای حسنای خدا بودن اهل بیت (ع) است که در احادیث مورد بحث بدان تصریح شده است.

منابع

- قرآن کریم.

- ابن ترکه، صائن الدین علی بن محمد (۱۳۶۰)، **تمهید القواعد**، با حواشی آقا محمد رضا قمشه ای و آقا میرزا محمود قمی و مقدمه و تصحیح، سید جلال الدین آشتیانی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، **مناقب آل اُبی طالب علیهم السلام** (لابن شهر آشوب)، قم: نشر علامه.
- ابن عربی، ابو عبدالله محیی الدین (بی تا)، **الفتوحات المکیة**، بیروت: دار صادر.
- همو، (۱۴۲۲ق)، **تفسیر ابن عربی**، تحقیق، مصطفی رباب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن عقیل، همدانی (۱۹۶۴م)، **شرح ابن عقیل**، مصر: مکتب تجاری الکبری.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق)، **لسان العرب**، قم: نشر ادب حوزه.
- استرآبادی، رضی الدین (۱۳۹۵)، **شرح شافیه ابن الحاجب**، با شرح: محمد نور الحسن، محمد الزفراف، محمد محیی الدین عبد الحمید، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- همو، (۱۹۷۵م)، **شرح الرضی علی الکافیة**، تهران: مؤسسه صادق.

- ایجی، (١٤١٧)، **المواقف**، بیروت: دارالجلیل.
- بالی زاده، مصطفی (بی تا)، **شرح فصوص الحکم**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- جرجانی، علی بن محمد (١٩٠٧)، **شرح المواقف**، مصر: مطبعة السعادة.
- جندی، مؤید الدین (١٣٨٠ش)، **شرح فصوص الحکم**، تحقیق: سید جلال الدین آشتیانی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- خمینی، روح الله (١٣٧٥ش)، **حواشی بر قیصری**، بی جا: انتشارات علمی و فرهنگی.
- خویی، سید ابوالقاسم (١٣٩٥)، **البيان في تفسير القرآن**، بیروت: دار الزهراء.
- زبیدی، محمد بن محمد (بی تا)، **تاج العروس من جواهر القاموس**، تحقیق: جمعی از محققین، بی جا: دار الهدایة.
- سبزواری، ملاهادی (بی تا)، **شرح الاسماء الحسنی**، قم: مکتب بصیرتی.
- صدر المتألهین، محمد شیرازی (بی تا)، **الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة**، قم: مرکز الجامعی للنشر.
- همو، (١٣٨٣)، **شرح أصول الکافی**، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- همو، (١٩٨١م)، **الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة**، بیروت: دار احیاء التراث.
- صدوق، شیخ محمد بن علی بن حسین بن بابویه (بی تا)، **التوحید**، تصحیح: هاشم حسینی تهرانی، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سید محمد حسین (١٣٦٥)، **الرسائل التوحیدیة**، قم: بی نا.
- همو، (١٣٩٣ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- عفیفی، أبو العلا (١٣٧٠ش)، **تعلیقہ بر محیی الدین ابن عربی**، شرح: ابو عبدالله محمد بن علی، قم: انتشارات الزهراء (س).
- عیاشی، محمد بن مسعود (١٣٨٠ق)، **تفسیر العیاشی**، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیة.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی تا)، **قاموس المحيط**، بی جا: بی نا.
- فیض کاشانی، محمد محسن (١٤٠٦ق)، **الوافی**، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین علی(ع).
- همو، (١٩٧٩)، **تفسیر صافی**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات لبنان.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (١٤٠٧ق)، **الکافی**، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

- مازندرانی، مولی محمد صالح (۱۴۲۱ق)، **شرح اصول کافی**، تحقیق: میرزا ابوالحسن شعرانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجذوب تبریزی، محمد (۱۴۲۹ق)، **الهدایا لشیعۀ أئمة الهدی**، تصحیح: محمد درایتی، قم: دار الحدیث.
- مجلسی، علامه محمد باقر (۱۴۰۴ق)، **بحار الانوار**، بیروت: موسسه الوفا.
- همو، (۱۴۰۴ق)، **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مظفر، محمدرضا (بی تا)، **المنطق**، بی جا: مؤسسه النشر الاسلامی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، **الإختصاص**، تصحیح علی اکبر غفاری، و محرمی زرنندی، قم: المؤتمر العالمی لالقیة الشیخ المفید.
- میرداماد، محمد باقر بن محمد (۱۴۰۳ق)، **التعلیقة علی أصول الکافی**، قم: الخیام.

